

حقوق و اخلاق محیط زیست از

دیدگاه نهج البلاغه

۶

حسن آذری

چکیده

بر پایه آموزه‌های دینی اسلام، اخلاق یکی از ارکان اصلی شکل‌گیری هویت جوامع بشری است که کیفیت زندگی فردی و اجتماعی امروز و فردای انسان‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد و کمیت و کیفیت، صلاح و فساد، بود و نبود آن تأثیر مستقیمی بر زندگانی سعادت‌مندان و شقاوت‌مندان دنیوی و اخروی انسان‌ها دارد. اولین نمودی که از زندگی فردی و اجتماعی انسان نمایان می‌شود اخلاق است و هر فرد و جامعه نسبت به میزان ظهور ارزش‌های اخلاقی در افکار، گفتار و رفتار آن ارزیابی می‌گردد، از این‌رو تلاش بر این شده تا با بهره‌گیری از کلام امیرالمؤمنین علی بن ابی‌طالب و بازبینی مجدداً انجام‌گرفته، جایگاه اخلاق در سبک زندگی اسلامی را در کتاب گران‌سنگ نهج‌البلاغه مورد مطالعه قرار داده تا در نهایت یک الگوی کاربردی، از یک سبک زندگی اسلامی مبتنی بر اخلاق، معرفی گردد. لذا این تحقیق درصدد آن است که پس از تبیین چیستی اخلاق و چیستی سبک زندگی و تبیین مفهوم آن، به مساله اخلاق و تأثیر آن در سبک زندگی اسلامی از منظر نهج‌البلاغه بپردازد. در الگوی اخلاقی نهج‌البلاغه که ناظر بر سبک زندگی است نوع نگرش‌ها، باورها در رفتار، کنش‌های افراد و جهت‌گیری‌ها نسبت به زندگی نقش دارند. در این نگرش اصول اخلاقی حاکم بر سبک زندگی مبتنی بر ایمان و عمل صالح است که هر نوع بهره‌مندی از مظاهر طبیعت و جلوه‌های مادی بر اساس آن توصیف می‌شود. در تغییر الگو و سبک زندگی فعلی مؤثر بوده و ضمن اینکه کتاب نهج‌البلاغه به‌عنوان منبع غنی برای سبک زندگی اسلامی است می‌توان گفت نقش برجسته اخلاق در اصلاح سبک زندگی اسلامی وجه تمایز آن را با سایر سبک‌های زندگی نمایان می‌سازد. واژگان کلیدی: اخلاق، سبک زندگی، سبک زندگی اسلامی، شاخصه‌های اخلاقی، نهج‌البلاغه.

مقدمه

بر پایه آموزه‌های دینی اسلام، اخلاق یکی از ارکان اصلی شکل‌گیری هویت جوامع بشری است که کیفیت زندگی فردی و اجتماعی امروز و فردای انسان‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد و صلاح و فساد، کمیت و کیفیت، بود و نبود آن تأثیر مستقیمی بر زندگانی سعادت‌مندان و شقاوت‌مندان دنیوی و اخروی انسان‌ها دارد؛ بنابراین اخلاق در زندگی انسان از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است زیرا هر انسانی را نسبت به میزان ظهور ارزش‌های اخلاقی در افکار، گفتار و رفتارش ارزیابی می‌کنند و اولین نمودی که از یک شخص در جامعه ظاهر می‌شود اخلاق آن فرد است. به همین خاطر باشد که آخرین فرستاده الهی سرلوحه بعثت خویش را اتمام مکارم اخلاق بیان می‌دارند؛ اما از سویی با مرور اجمالی شیوه و سبک زندگانی انسان‌ها و ناهنجاری‌های رفتاری، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی موجود در جوامع مختلف بشری، به‌ویژه مسلمانان، می‌توان گفت که جوامع کنونی آن‌طور که باید هنوز توفیق چندانی در ایجاد ارتباط میان ارزش‌های اصیل اخلاقی و شیوه زندگانی مبتنی بر اخلاق و معارف الهی نداشته‌اند.

از داین‌رو در این مقاله تلاش گردیده با مرور خطبه‌ها، نامه‌ها و حکمت‌های نهج‌البلاغه به شناسایی شاخصه‌های اخلاقی سبک زندگی اسلامی از منظر نهج‌البلاغه باهدف نشان دادن ویژگی و وجه تمایز سبک زندگی اسلامی با سایر سبک‌های زندگی و ترسیم افق مطلوب به‌منظور بازسازی سبک زندگی فعلی در قالب شاخص‌های اخلاقی در زندگی فردی، خداشناسی، کیهان‌شناسی و تربیت نفس، خانواده، جامعه و محیط‌زیست، پرداخته می‌شود.

۱. زندگی شخصی (فردی)

اسلام به‌عنوان کامل‌ترین مکتب زندگی، جامع‌ترین و درعین‌حال زیباترین سبک زندگی مبتنی بر اخلاق را که مطابق خواست فطری بشر نیز هست مطرح کرده است و برای تمامی جزئیات فردی و اجتماعی زندگانی، بر اساس زیربنای فطری وجودی انسان، دستورالعمل‌هایی ارائه نموده است که در این بخش شاخصه‌های اخلاقی سبک زندگی اسلامی در زندگی فردی تبیین می‌گردد.

اهمیت خودشناسی در نهج‌البلاغه

خودشناسی زمینه‌ساز پرورش اخلاق پسندیده و محو رذایل ناپسند در وجود انسان است که اساس رشد شخصیت انسانی هر فردی را تشکیل می‌دهد و یکی از ارکان اساسی کمال و سعادت مادی و معنوی انسان به شمار می‌رود. به‌طوری‌که از پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) نقل شده است که: «من عرف نفسه فقد عرف ربه» و از علی (علیه‌السلام) نیز در نهج‌البلاغه نقل شده که فرموده است «رحم الله امرأ علمت من این و فی این والی این» درود خدا بر کسی که بداند از کجاست و در کجاست و به‌سوی کجا روان است. انسان قبل از کشف ابعاد وجودی خود نمی‌تواند جهان پیرامون خود را بشناسد و در مسیر سعادت قدم بردارد. داشتن افکار مثبت و واقع‌بینانه، حرکت به‌سوی کمال، تقویت اراده و اعتماد به‌نفس، خداشناسی و ... با شناخت ابعاد وجود خویشتن میسر می‌باشد و تا انسان قدر و ارزش خویش را نشناسد، به‌ناچار غرق برآوردن نیازهای مادی و امیال نفسانی خود شده و گرفتار خسران خواهد بود از این رو خودشناسی در کتاب نهج‌البلاغه از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است و حضرت علی (علیه‌السلام) عدم شناخت خویشتن را برابری با نابودی و نیستی می‌داند.

با توجه به مطالب فوق از منظر نهج البلاغه برای ساخت یک زندگی اسلامی مبتنی بر اخلاق، ابتدا باید خود واقعی را شناخت و برای رسیدن به آن می‌بایست خودپنداری را که سرآغاز صفت‌های مذموم همانند غرور، کبر، خودپسندی، خودخواهی، خودبینی، استبداد رأی و غیره است از بین برد.

ضرورت خودشناسی

انسان برای رسیدن به کمال و تعالی، ناگزیر است که ابتدا ویژگی‌ها و توانایی‌ها و استعداد‌های خدادادی خویش را بشناسد، چه این‌که فساد اخلاق و جهالت و دیگر گرفتاری‌های بشر امروز ناشی از این است که انسان ابعاد وجودی خود را نمی‌شناسد. فقط با خودشناسی، نیروهای شگرف و استعداد‌های انسان کشف می‌گردد و با به کار بردن آن‌ها هر انسانی که بالقوه کامل است به کمال و تعالی دست می‌یازد. برای شناسایی انسان لازم است که کالبد مادی و نفس و روح به موازات هم شناسایی شوند و نیز به موازات هم پرورش یابند. تربیت جداگانه هر کدام گرچه در حد خود مهم است، ولی اگر هماهنگی با رشد دیگر ابعاد انسان نداشته باشد، به کمال انسان نمی‌انجامد. عدم توجه به خویشتن و پرداختن به اشیای پیرامون خود و سرگرم شدن به اموری که تأثیری در کمال و سعادت انسان ندارند، غیرطبیعی، انحراف آمیز و ناسازگار با مقتضای فطرت انسانی است و این بزرگ‌ترین ناهنجاری و بیماری معنوی است که انسان بدان مبتلا می‌گردد. در خصوص لزوم خودشناسی در قرآن کریم چنین آمده است: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید به خودتان بپردازید.» در آموزه‌های دینی به‌ویژه کتاب نهج البلاغه توجه ویژه‌ای بر خودشناسی و خودپردازی وجود دارد که در اینجا به نمونه‌هایی از آن اشاره می‌گردد: آن چیزی که لازم است مورد دقت قرار گیرد منظور از خودشناسی در نهج البلاغه علاوه بر آگاهی از جسم و فیزیک انسان نسبت به نیازهای روحی اعم از:

تهذیب و تزکیه نفس و مبارزه با رذایل اخلاقی و حرکت در مسیر تکامل فضائل اخلاقی مورد اهمیت است. نمونه‌هایی از ضرورت خودشناسی در کتاب نهج‌البلاغه: «دانا کسی است که قدر خود را بشناسد و در نادانی انسان این بس که ارزش خویش نداند.» «کسی که جز به حساب نفس خویش پردازد، خود را در تاریکی‌ها سرگردان سازد و به هلاکت جای‌ها دراندازد.» علاوه بر نهج‌البلاغه در کتاب «غرالحکم» از امیر مؤمنان علی (علیه‌السلام)، روایات بسیاری در این زمینه با مضامین مختلف نقل شده است که به چند نمونه اشاره می‌گردد: «برترین شناخت‌ها آن است که انسان نفس خویش را بشناسد.» «برای شناخت آدمی همین بس که خود را بشناسد.» «کسی که خود را بشناسد پروردگار خود را شناخته است.» انسانی که خود را شناخت در صدد خودسازی و نهادینه کردن اخلاق در وجود خود می‌باشد و اخلاق از آن رو ضرورت می‌یابد که انسان در زندگی خویش همیشه در دو سوی کمالی و نقصی در حال حرکت است لذا در ساختن سبک زندگی اسلامی ضرورت خودشناسی نمایان می‌شود که انسان کیست؟ از کجا آمده؟ برای چه آمده؟ و به کجا خواهد رفت؟

راه‌های خودشناسی

برخی از راه‌های خودشناسی در نهج‌البلاغه که با روش‌های تجربی، عقلانی و وحیانی درآمیخته است عبارت‌اند از: الف) دقت در شگفتی‌های آفرینش انسان؛ یکی از راه‌های خودشناسی، شناخت استعدادها به‌کاررفته در آفرینش انسان و کیفیت تکوین او هست. خداوند متعال در سوره مؤمنون، توجه به کیفیت خلقت جنین انسان چنین بیان می‌کند: «و ما انسان را از عصاره‌ای از گل آفریدیم سپس او را نطفه‌ای در قرارگاه مطمئن (رحم) قرار دادیم؛ سپس نطفه را به‌صورت علقه (خون بسته) و علقه را به‌صورت مضغه (چیزی شبیه گوشت جویده شده) و مضغه را به‌صورت استخوان‌هایی درآوردیم و بر استخوان‌ها گوشت پوشاندیم؛ سپس آن را آفرینش تازه‌ای دادیم.»

امام علی(علیه‌السلام) در کتاب نهج‌البلاغه در خصوص چگونگی خلقت و سرانجام انسان چنین بیان می‌دارند: «مگر انسان، همان نطفه و خون نیم-بند نیست که خدا او را در تاریکی‌های رحم و خلاف‌های تودرتو، پدید آورد تا به صورت جنین درآمد، سپس کودکی شیرخوار شد، بزرگ‌تر و بزرگ‌تر شده تا نوجوانی رسیده گردید، سپس او را دلی فراگیر و زبانی گویا و چشمی بینا عطا فرمود تا عبرت‌ها را درک کند و از بدی‌ها بپرهیزد و آنگاه که جوانی در حد کمال رسید و بر پای خویش استوار ماند، گردنکشی آغاز کرد و روی از خدا گرداند و در بیراهه گام نهاد، در هواپرستی غرق شد و برای به دست آوردن لذت‌های دنیا تلاش فراوان کرد و سرمست شادمانی دنیا شد، هرگز نمی‌پندارد مصیبتی پیش آید و بر اساس تقوی فروتنی ندارد، ناگهان سرمست و مغرور در این آزمایش چند روزه، مرگ او را می‌ریاید، او را که در دل بدبختی‌ها، اندکی زندگی کرده و آنچه را که از دست داده عوضی به دست نیاورده است و آنچه از واجبات را که ترک کرد، قضایش را بجا نیاورد، که درد مرگ او را فراگرفت.» (ب) خودشناسی دنیوی، یعنی شناخت موقعیت و جایگاه خود در دنیا؛ امام علی(علیه‌السلام) در نهج‌البلاغه فراوان به بررسی جایگاه و حقیقت دنیا و بازشناسی ویژگی‌های آن پرداخته و نقش این شناخت را در نوع عملکرد صحیح و نادرست، به دنیا بازگو می‌سازد. دانستن این نکته حائز اهمیت است که اگر بینش و شناخت انسان نسبت به دنیا صحیح باشد تعاملات و عملکردهای انسان در قبال آن نیز درست خواهد بود و در عین ساختن یک زندگانی اسلامی، دنیا وسیله‌ای برای رسیدن به اهداف والای انسانی و الهی خواهد شد اما اگر بینش و شناخت اصلاح نگردد، عملکردی ناصحیح و نسنجیده نسبت بدان صورت خواهد گرفت و نتیجه‌ای جز دوری از هدف خلقت و افتادن در دام دنیا و شقاوت ابدی، در پی نخواهد داشت.

در سبک زندگی اسلامی از منظر امام علی (علیه السلام)، اصلاً پذیرفته نیست که شخصی دنیای خویش را فدای آخرت و آخرت را فدای دنیای خود قرار دهد. آن حضرت در پاسخ یکی از یاران خود «علاء بن زیاد» را که خانه مجللی در بصره داشت، نصیحت کرد و فرمود: «با این خانه وسیع در دنیا چه می‌کنی؟ درحالی‌که در آخرت به آن نیازمندتری. آری اگر بخواهی می‌توانی با همین خانه به آخرت برسی! در این خانه وسیع مهمانان را پذیرایی کنی، به خویشاوندان با نیکوکاری ببیوندی و حقوقی که بر گردن تو است به صاحبان حق برسانی، پس آنگاه تو با همین خانه وسیع به آخرت نیز می‌توانی پرداخت.» دنیا، سرای عمل: از منظر امام علی (علیه السلام)، این دنیا سرای عمل است، چنانچه می‌فرمایند: «ای بندگان هشیار باشید! دنیا به شتاب می‌گذرد و نمانده است از دنیا مگر ته مانده‌ای در کاسه، مانند آن ته مانده‌ای که کسی آن را در کاسه ریخته باشد؛ و بدانید که آخرت روی آورده است و برای هر یک از دنیا و آخرت فرزندان است (علاقه‌مندانی است) شما از فرزندان آخرت باشید و از فرزندان دنیا مباشید، زیرا هر فرزندی در روز قیامت به پدرش ملحق خواهد گشت. حقیقت این است که امروز دوران عمل است و حسابی در کار نیست (حساب محسوسی دیده نمی‌شود) و فردا موقع حساب است و عملی در کار نیست. ناپایداری دنیا: حوادث طبیعی که گاه‌وبیگاه در نقاط مختلف جهان رخ می‌دهد و زندگی انسان را با مخاطره مواجه می‌کند، حکایت از ناپایداری این دنیای فانی دارد و زنگ خطری است برای انسان‌های غافل و به خواب رفته تا خود را برای زندگی آخرت آماده سازند. امیر مؤمنان علی (علیه السلام) در این باره می‌فرمایند: «بسا افرادی که به دنیا اعتماد کردند، ناگهان مزه تلخ مصیبت را بدان‌ها چشاند و بسا صاحب اطمینانی که به خاک و خونس کشید. چه انسان‌های باعظمتی را که خوار و کوچک ساخت و بسا فخر فروشانی را که به خاک ذلت افکند. حکومت دنیا ناپایدار، عیش و زندگانی آن تیره‌وتار، گوارای آن شور و شیرینی آن تلخ، غذای آن زهر و اسباب و وسائل آن پوسیده است، زنده آن در معرض مردن و تندرست آن گرفتار بیماری است، حکومت آن بر بادرفته و عزیزان آن شکست‌خورده، متاع آن نکبت آلود و پناه آورنده آن و غارت‌زده خواهد بود.»

- نکوهش دنیاپرستی: از منظر نهج البلاغه، کسانی که همه وجود خویش را وقف دنیا و لذت‌های آن کرده و در راه رسیدن به آن از هیچ جنایت و گناهی فروگذاری نمی‌کنند، مورد نکوهش شدید قرار گرفته‌اند. آن حضرت در توصیف دنیاپرستان چنین می‌فرماید:

«همانا دنیاپرستان چونان سگ‌های درنده، عوعو کنان، برای دریدن صید در شتابند، برخی به برخی دیگر هجوم آورند و نیرومندشان، ناتوان را می‌خورد و بزرگ‌ترها کوچک‌ترها را؛ و یا چونان شترانی هستند که برخی از آن‌ها پای بسته و برخی دیگر در بیابان رهاشده، که راه گم کرده و در جاده‌های نامعلومی در حرکت‌اند و در وادی پر از آفت‌ها و در شنزاری که حرکت با کندی صورت می‌گیرد گرفتارند، نه چوپانی دارند که به کارشان برسد و نه چراننده‌ای که به چراگاهشان برسد. دنیا آن‌ها را به راه کوری کشاند؛ و دیدگان‌شان را از چراغ هدایت بیوشاند، در بیراهه سرگردان و در نعمت‌ها غرق شده‌اند، که نعمت‌ها را پروردگار خود قرار دادند. هم دنیا آن‌ها را به بازی گرفته و هم آن‌ها با دنیا به بازی پرداخته و آخرت را فراموش کرده‌اند.» (ج خودشناسی اخروی یعنی شناخت سرانجام حیات خویش؛ نقش باور به معاد در ایجاد سبک زندگی اسلامی و در دل‌بستگی و پابندی به ملکات و سجایای اخلاقی نگاه زاهدانه به دنیا را در پی خواهد داشت، بهترین ضمانت اجرا در فعل و ترک فضائل و رذایل اخلاقی برای انسان، اندیشیدن برای سرانجام کار خویش است. انسان که درک صحیحی از فنا و نیستی‌پذیری خویش در این دنیا نداشته باشد و خود را به‌عنوان رهگذر در این دیار نداند و نداند که گفتار و رفتار آن با ابزارهای الهی ثبت و ضبط قرار می‌گیرد و در آن دنیا بازخواست خواهد شد، بدون شک مراقبت‌های لازم را نخواهد داشت.

- انسان مسئول اعمال خویش: در فرهنگ نهج البلاغه، انسان مسئول اعمال خویش است و هر عملی که در این دنیا انجام می‌دهد در سرای آخرت نتیجه آن را خواهد دید:

«بترسید از خدایی که در پیشگاه او حاضرید و اختیار شما در دست اوست و همه حالات و حرکات شما را زیر نظر دارد. اگر چیزی را پنهان کنید می‌داند و اگر آشکار کردید ثبت می‌کند، برای ثبت اعمال، فرشتگان بزرگواری را گمارده که نه حقی را فراموش و نه باطلی را ثبت می‌کنند. «آگاه باشید آن‌کس که تقوا پیشه کند و از خدا بترسد، از فتنه‌ها نجات می‌یابد» و با نور هدایت از تاریکی‌ها می‌گریزد و به بهشت و آنچه که دوست دارد جاودانه دسترسی پیدا می‌کند. خدا او را در منزل کرامت خویش مسکن می‌دهند، خانه‌ای که مخصوص خداست، سقف آن عرش پروردگاری و روشنایی آن از جمال الهی و زائراتش فرشتگان و دوستان و هم‌نشینانش پیامبران الهی، می‌باشند.

پس به‌سوی قیامت بشتابید و پیش از آن‌که مرگ فرارسد آماده باشید، زیرا ناگهان آرزوهای مردم قطع شده و مرگ آن‌ها را در کام خود می‌کشد و در توبه بسته می‌شود. شما امروز به‌جای کسانی زندگی می‌کنید که قبل از شما بودند و ناگهان رفتند و پس از مرگ تقاضای بازگشت به دنیا کردند.» یاد قیامت و خودشناسی: آن حضرت در تأثیر یاد قیامت در خودسازی می‌فرمایند: «مردم شما چونان مسافران در راهید، که در این دنیا فرمان کوچ داده شدید، که دنیا خانه اصلی شما نیست و به جمع‌آوری زاد و توشه فرمان داده شدید. آگاه باشید این پوست نازک تن، طاقت آتش دوزخ را ندارد پس به خود رحم کنید، شما مصیبت‌های دنیا را آزمودید، آیا ناراحتی یکی از افراد خود را بر اثر خاری که در بدنش فرورفته، یا در زمین خوردن پایش مجروح شده، یا ریگ‌های داغ بیابان او را رنج داده، دیده‌اید که تحمل آن مشکل است پس چگونه می‌شود تحمل کرد

که در میان دو طبقه آتش، در کنار سنگ‌های گداخته، هم‌نشین شیطان باشید؟ آیا می‌دانید وقتی که مالک دوزخ بر آتش غضب کند، شعله‌ها بر روی هم می‌غلتنند و یکدیگر را می‌کوبند؟ و آنگاه که بر آتش بانگ زند میان درهای جهنم به هر طرف زبانه می‌کشد ای پیر سالخورده که پیری وجودت را گرفته است، چگونه خواهی بود آنگاه که طوق‌های آتش به گردن‌ها انداخته شود و غل و زنجیرهای آتشین به دست و گردن افتد چنانکه گوشت دست‌ها را بخورد؟» علاوه بر مطالب ذکر شده نمونه‌های فراوانی در نهج‌البلاغه در خصوص شناخت جایگاه انسان در این دنیا و سرانجام آن بیان گردیده است.

محقق بحرانی نیز در این باره گفته است: «انسان عاقل اگر در آفرینش خود بیندیشد، نشانه‌های نعمت را بر خود آشکار می‌یابد و وجوب شکر منعم، مقتضای خرد اوست، پس باید شکر منعم را به جای آورد، بنابراین معرفت او واجب است.»

- دفع ضرر یا عقاب محتمل: عشق به کمال و تمایل به منافع معنوی و مادی و دفع هرگونه ضرر و زیان، انسان را وادار می‌کند که در موارد احتمال نیز به تحقیق پردازد، هر قدر این احتمال قوی‌تر و آن سود و زیان عظیم‌تر باشد این تحقیق و جست‌وجو را لازم‌تر می‌شمرد. هرگاه ضرر و زیان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار باشد، ضرورت خدانشناسی نمایان‌تر خواهد بود. عقل حکم می‌کند که انسان در مورد وجود خدا و اوصاف او به تحقیق و تأمل پردازد تا با پیروی از آن بتواند، خویش را از عقاب الهی برهاند. امام علی در خصوص دفع عقاب از خویش چنین بیان می‌کند: «همانا خداوند پاداش را بر اطاعت و کیفر را بر نافرمانی قرار داد تا بندگانش را از عذاب برهاند و به سوی بهشت کشاند.» علاوه بر این مورد در موارد دیگر هم انسان‌ها را از نتیجه اعمال بد خویش آگاه ساخته و به حرکت در مسیر اطاعت انسان‌ها را دعوت می‌کند.

راه‌های خداشناسی

برای شناخت خداوند معمولاً دو راه برای مطالعه وجود دارد مطالعه در نشانه‌های خدا که در جسم و جان انسان است و آن را «آیات انفسی» می‌نامند و مطالعه در آیاتی که در بیرون وجود او در زمین و آسمان و ثوابت و سیارات و کوه و دریا وجود دارد و آن را «آیات آفاقی» می‌گویند که قرآن مجید در آیه ۵۳ سوره فصلت به آن اشاره کرده،

می‌فرماید: «سَنُرِيهِمْ آيَاتِنَا فِي الْآفَاقِ وَ فِي أَنفُسِهِمْ حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ» به زودی آیات خود را در «آفاق» و «انفس» به آن‌ها نشان می‌دهیم تا برای آن‌ها ثابت شود که خداوند حق است. هنگامی که قدرت شناخت انسان از کار می‌افتد هم طریق مشاهده آیات انفسی بر او بسته می‌شود و هم مشاهده آیات آفاق. در نهج‌البلاغه امام علی (علیه‌السلام) راه‌های مختلفی را برای شناخت خداوند بیان کرده که می‌توان به: فطرت، تفکر، تعقل، برهان نظم، قدرت، شهود، ایمان و ... اشاره کرد و همه این موارد را در یک تقسیم‌بندی می‌توان به آیات انفسی (خودشناسی) و آیات آفاقی (هستی‌شناسی) تقسیم کرد.

الف) آیات انفسی

امام علی (علیه‌السلام) در خصوص شناخت خدا از راه آیات انفسی چنین می‌فرماید: «سپس خداوند بزرگ، خاکی از قسمت‌های گوناگون زمین، از قسمت‌های سخت و نرم، شور و شیرین، گرد آورد، آب بر آن افزود تا گلی خالص و آماده شد و با افزودن رطوبت، چسبناک گردید، که از آن، اندامی شایسته و عضوهایی جدا و به یکدیگر پیوسته آفرید. آن را خشکانید تا محکم شد. خشکاندن را ادامه داد تا سخت شد تا زمانی معین و سرانجامی مشخص، اندام انسان کامل گردید. آنگاه از روحی که آفرید در آن دمید تا به‌صورت انسانی زنده درآمد،

دارای نیروی اندیشه، که وی را به تلاش اندازد و دارای افکاری که در دیگر موجودات، تصرف نماید. به انسان اعضاء و جوارحی بخشید، که در خدمت او باشند و ابزاری عطا فرمود، که آنها را در زندگی به کار گیرد.

قدرت تشخیص به او داد تا حق و باطل را بشناسد و حواس چشایی و بویایی و وسیله تشخیص رنگ‌ها و اجناس مختلف در اختیار او قرار داد. انسان را مخلوطی از رنگ‌های گوناگون و چیزهای همانند و سازگار و نیروهای متضاد و مزاج‌های گوناگون، گرمی، سردی، تری، خشکی، قرار داد.

سپس از فرشتگان خواست تا آنچه در عهده دارند انجام دهند و عهده‌ی را که پذیرفته‌اند وفا کنند، این‌گونه که بر آدم سجده کنند و او را بزرگ بشمارند و فرمود: «بر آدم سجده کنید پس فرشتگان همه سجده کردند جز شیطان» غرور و خودبزرگ‌بینی او را گرفت و شقاوت و بدی بر او غلبه کرد و به آفرینش خود از آتش افتخار نمود و آفرینش انسان از خاک را پست شمرد. خداوند برای سزاوار بودن شیطان به خشم الهی و برای کامل شدن آزمایش و تحقق وعده‌ها، به او مهلت داد و فرمود: «تا روز رستاخیز مهلت داده شدی.»

ب) آیات آفاقی

امام علی (علیه‌السلام) در خصوص شناخت از راه آیات آفاقی در خطبه ۱۸۵ در شگفتی آفرینش و ویژگی‌های جهان هستی چنین می‌فرماید: «اندیشه در عظمت قدرت خدا، فراوانی نعمت‌ها، مخلوقات کوچک، مهندسی در خلقت مورچه، اختلافات و تفاوت‌های پیچیده‌ای که در خلقت هر پدیده، خلقت آسمان و هوا و بادها و آب، آفتاب و ماه، درخت و گیاه، آب و سنگ، اختلاف شب و روز، جوشش دریاها، فراوانی کوه‌ها، بلندای قلّه‌ها، گوناگونی لغت‌ها، تفاوت زبان‌ها، شگفتی آفرینش ملخ، نشانه‌های خدا در طبیعت، خلقت پرندگان گوناگون، ایجاد ابرهای سنگین، باران‌های پی‌درپی و ... را نشانه‌های آیات آفاقی برای شناخت خداوند متعال می‌داند.»

اخلاق و خداشناسی در زندگی

خداشناسی خودبه‌خود بر روی تمام شخصیت و روحیه و اخلاق و اعمال بشر اثر می‌گذارد. اندازه این تأثیر به درجه ایمان بستگی دارد. هراندازه ایمان انسان قوی‌تر و شدیدتر باشد، نفوذ خداشناسی در وجود انسان بیشتر می‌گردد و شخصیت آدمی را بیشتر تحت سیطره خود قرار می‌دهد. تأثیر و نفوذ خداشناسی در انسان مراتب و درجات دارد و تفاوت انسان‌ها از نظر کمال انسانی و قرب به خداوند به این درجات بستگی دارد و همه این‌ها «صدق» و «اخلاص» نامیده می‌شود؛ یعنی همه این درجات، درجات صدق و اخلاص است. امام علی (علیه‌السلام) در نهج‌البلاغه در خصوص تأثیر اخلاق و خداشناسی در زندگی می‌فرمایند: «همانا مردمی هستند که ذکر خدا را به‌جای دنیا برگزیدند، که هیچ تجارتی یا خرید و فروشی، آن‌ها را از یاد خدا باز نمی‌دارد. با یاد خدا روزگار می‌گذرانند و غافلان را با هشدارهای خود، از کیفرهای الهی می‌ترسانند به عدالت فرمان می‌دهند و خود عدالت گسترند، از بدی‌ها نهی می‌کنند و خود از آن‌ها پرهیز دارند. با اینکه در دنیا زندگی می‌کنند گویا آن را رها کرده به آخرت پیوسته‌اند، سرای دیگر را مشاهده کرده، گویا از مسائل پنهان برزخیان و مدت طولانی اقامتشان آگاهی دارند و گویا قیامت وعده‌های خود را برای آنان تحقق بخشیده است، آنان پرده‌ها را برای مردم دنیا برداشته‌اند، می‌بینند آنچه را که مردم نمی‌نگرند و می‌شنوند آنچه را که مردم نمی‌شنوند.

اگر اهل ذکر را در اندیشه خود آوری و مقامات ستوده آنان و مجالس آشکارشان را بنگری، می‌بینی که آنان نامه‌های اعمال خود را گشوده و برای حسابرسی آماده‌اند، که همه را جبران کنند و در اندیشه‌اند، در کدام‌یک از اعمال کوچک و بزرگی که به آنان فرمان داده شده، کوتاهی کرده‌اند، یا چه اعمالی که از آن نهی شده بودند مرتکب گردیده‌اند، بار سنگین گناهان خویش را بر دوش نهاده و در برداشتن آن ناتوان شدند، گریه در گلویشان شکسته و با ناله و فریاد می‌گیرند و با یکدیگر گفتگو دارند، در پیشگاه پروردگار خویش به پشیمانی اعتراف دارند.»

- موجب کرامت نفس:

«کسی که خود را گرامی دارد، هوا و هوس را خوار شمارد.»

- اشتیاق بهشت:

«شوق، هراس، زهد و انتظار. آن کس که اشتیاق بهشت دارد، شهوت‌هایش کاستی گیرد.»
امام خمینی (رحمه‌الله‌علیه) در چهل حدیث در خصوص لزوم تربیت نفس و اهمیت مربی برای این راه چنین بیان می‌کنند: «اگر انسان تحت تأثیر مربی و معلمی واقع نشود، پس از رسیدن به حد رشد و بلوغ یک حیوان عجیب‌وغریبی شود که در هر یک از شئون مذکوره گوی سبقت از سایر حیوانات و شیاطین برود و از همه قوی‌تر و کامل‌تر در مقام حیوانیت و شیطنت شود؛ و اگر بر همین حال روزگار بر او بگذرد، هیچ‌یک از معارف الهیه و اخلاق فاضله و اعمال صالحه در او بروز نکند، بلکه جمیع انوار فطریه او نیز خاموش گردد.» چنانچه در مباحث مربوط به تربیت نفس معلوم گشت برای ساخت سبک زندگی اسلامی مبتنی بر اخلاق و برای رسیدن به قله‌های معرفت در زندگی، نیاز به یک مرحله خودسازی با همان تربیت نفس برای انسان در زندگی فردی ضروری است.

تا انسان خود را نسازد و از زشتی‌ها و پلیدی‌های جسمی و روحی خود را پاک نسازد، نخواهد توانست تا یک زندگی اخلاقی برای خودش دست‌وپا کند و همیشه به بیراهه خواهد رفت.

جایگاه و اهمیت محیط‌زیست در نهج‌البلاغه

سلامت محیط‌زیست پیوندی تنگاتنگ با حیاط سالم جامعه دارد. همان‌گونه که در بدن، بهداشت و پیشگیری بر درمان و معالجه مقدم است، تأمین فضای سالم و محیط‌زیست مناسب نیز بر جبران خسارت‌های ناشی از تخریب محیط‌زیست مقدم هست؛ که وظیفه همگان را برای حفظ محیط محیط‌زیست ایجاب می‌کند سالم نگه‌داشتن محیط‌زیست یعنی رعایت حق زمین، هوا، آب، خاک، دریا، صحرا و سایر موجودات و عرصه محیط‌زیستی که با حیات فرد و جامعه پیوند دارند در آموزه‌های دینی از آلوده کردن محیط‌زیست نهی شده و هم به پاک‌سازی آن در صورت آلوده شدن ترغیب و امر شده است. این درحالی‌که اسلام قرن‌ها پیش با لطافت و دقت تمام به این مسئله مهم در قرآن کریم و سایر متون دینی توجه کرده است و در این میان، حضرت علی (علیه‌السلام) در کتاب شریف نهج‌البلاغه به شکل برجسته و مبسوط در خطبه‌ها، نامه‌ها و حکمت‌ها، به موضوع نباتات، جمادات و حیوانات پرداخته و چگونگی تعامل انسان با آن‌ها را بیان کرده است. از نظر قرآن کریم یکی از اهداف آراستن زمین، آزمایش بندگان است انسان‌ها و از دیدگاه امیرالمؤمنین علی (علیه‌السلام) در سبک زندگی اسلامی، انسان نه تنها در برابر خود و سایر هم‌نوعانش در پیشگاه خداوند مسئولیت دارد، بلکه در قبال طبیعت هم باید پاسخگو باشد: «از خدا بترسید و تقوا پیشه کنید زیرا شما در پیشگاه خداوند، مسئول بندگان خدا و شهرها و خانه‌ها و حیوانات هستید.» حضرت در فرمان معروف خود به مالک اشتر، مهم‌ترین امر حکومتی را که اخذ مالیات و خراج باشد،

متوقف بر عمران و آبادانی می‌کند، به‌گونه‌ای که اگر دستگاه حکومتی بدون توجه به عمران و آبادانی به اخذ مالیات اقدام کند، گویا به نابودی و هلاکت بندگان خدا دست زده است و می‌فرماید: «باید توجه تو در آبادی زمین بیشتر از توجه تو به گرفتن مالیات و خراج از مردم باشد؛ زیرا خراج بدون توجه به آبادانی به دست نمی‌آید و کسی که بدون آباد نمودن به گرفتن مالیات و خراج بپردازد، به ویرانی شهرها و از بین بردن بندگان خدا دست زده است.» به‌طورکلی می‌توان گفت که توجه به اخلاق محیط‌زیست در کلام امام علی (علیه‌السلام) در نهج‌البلاغه در سه حوزه: اخلاق تعامل با حیوان، اخلاق تعامل با نباتات و اخلاق تعامل با جمادات قرار می‌گیرد.

۳-۱. اخلاق تعامل با حیوان

از آنجایی که حیوانات به‌عنوان یکی از عناصر اصلی محیط‌زیست تأثیر سرنوشت‌سازی در زندگی انسان‌ها دارند. رعایت عدالت در رفتار با حیوانات و بچه‌های آن‌ها، پرهیز از استفاده‌های بی‌حد و حصر و اجتناب از اذیت و آزار موجودات در سیره علوی به‌ویژه کتاب نهج‌البلاغه بازتاب گسترده‌ی داشته و افزون بر آن، امام علی (علیه‌السلام)، در نهج‌البلاغه به تنظیم رفتار کارگزارانش، در بهره‌برداری از حیوانات به‌گونه‌ای دقیق و قابل توجه پرداخته است:

الف) تنظیم شیوه ورود به میان حیوانات: حضرت در این باره تأکید می‌کند: «مانند اشخاص سلطه‌گر و سخت‌گیر رفتار نکن، حیوانی را رم مده و هراسان مکن و دامدار را مرنجان.»

ب) پرهیز از جدایی افکندن میان حیوانات و نوزادانشان: امام در همین نامه به کارگزار خود سفارش می‌فرماید چنانچه مودیان زکات تمایل داشتند زکات شتر و گوسفندان را بپردازند، این‌گونه عمل کنید: «هرگاه حیوانات را به دست فردی امین سپردی، به او سفارش کن تا: «بین شتر و نوزادش جدایی نیفکند و شیر آن را ندوشد تا به بچه‌اش زبانی وارد نشود.»

ج) عدالت در رفتار با حیوانات: حضرت در این خصوص می‌فرماید چنانچه از حیوان به‌عنوان مرکب استفاده شد، نباید آن را خسته کرد و در ادامه بر رعایت عدالت میان حیوانات نیز تأکید می‌کند: «در سوارشدن بر شتران عدالت را رعایت کند و مراعات حال شتر خسته یا زخمی را که سواری دادن برای او سخت است بنماید.»

د) توجه بر تغذیه حیوانات: در تغذیه و سیراب کردن و استراحت دادن به آن‌ها نیز سفارش اکید می‌کند: «آن‌ها را در سر راه به درون آب ببرد و از جاده‌هایی که دو طرف آن علف‌زار است به ماده بی‌علف نکشاند و هرازگاهی شتران را مهلت دهد تا استراحت کنند و هرگاه به آب و علف‌زار رسید، فرصت دهد تا علف بخورند و آب بنوشند تا آنگاه که به اذن خدا بر ما وارد شوند، فربه و سرحال، نه خسته و کوفته، که آن‌ها را بر اساس رهنمود قرآن و سنت پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) تقسیم نمایم.»

ی) مهربانی و شفقت: امام علی (علیه‌السلام) به کارگزارش تأکید می‌کند که حیوانات را به فردی خیرخواه و مهربان و درستکار و امین بسپارد تا آن‌ها را آزار ندهد: «در رساندن حیوانات آن را به دست چوپانی که خیرخواه و مهربان، امین و حافظ، که نه سختگیر باشد و نه ستمکار، نه تند براند و نه حیوانات را خسته کند، بسپار.» حقوق حیوانات و عدالت نسبت به آن‌ها در سیره علوی تا آنجا مورد تأکید و سفارش است و اهمیت دارد که حضرت می‌فرماید: «به خدا سوگند، اگر هفت اقلیم را با آنچه در زیر آسمان‌هاست به من دهند تا خدا را نافرمانی کنم که پوست جوی را از مورچه‌ای ناروا بگیرم، چنین نخواهم کرد و همانا این دنیای آلوده شما نزد من از برگ جویده شده ملخ پست‌تر است علی را با نعمت‌های فناپذیر و لذت‌های ناپایدار چه کار به خدا پناه می‌بریم از خفتن عقل، زشتی لغزش‌ها و از او یاری می‌جوییم.»

اخلاق تعامل با نباتات

گیاهان و درختان، علاوه بر اینکه هر یک به تنهایی دفتری عظیم از معرفت پروردگار بزرگ هستند، نشانه‌های قدرت و جلوه زیبایی خداوند را در برابر چشم هر بیننده‌ای به نمایش می‌گذارند.

کاهش آلودگی هوا، تأمین اکسیژن، جلوگیری از فرسایش خاک، ایجاد مناظر دیدنی و زیبا، رفع احتیاجات ضروری انسان اعم از سوخت و تغذیه و ... از دیگر مزایای وجود درختان و گیاهان در محیط به شمار می‌رود که حیات بشریت را به نباتات وابسته کرده است.

امام علی (علیه السلام) در نهج البلاغه نباتات را جلوه‌های زیبایی الهی بر روی زمین برشمرده که نیازهای انسان و حیوانات را نیز برآورده می‌سازد: «پس زمین به وسیله باغ‌های زیبا، همگان را به سرور و شادی دعوت کرده، بالبأس نازک گل برگ‌ها که بر خود پوشید، هر بیننده‌ای را به شگفتی واداشت و با زینت و زیوری که از گلوبند گل‌های گوناگون، فخر کنان خود را آراست، هر بیننده‌ای را به وجد آورد، که فرآورده‌های نباتی را، توشه و غذای انسان و روزی حیوانات قرار داد.»

علی (علیه السلام) در جای دیگر به درختکاری و حفاظت از درختان نخل توصیه می‌فرماید: «... و باکسی که این اموال در دست اوست شرط می‌کنم که اصل مال را حفظ کرده تنها از میوه و درآمدش بخورند و انفاق کنند و هرگز نهال‌های درخت خرما را نفروشند تا همه این سرزمین یکپارچه به گونه‌ای زیر درختان خرما قرار گیر که راه یافتن در آن دشوار باشد.»

اخلاق تعامل با جمادات

اخلاق تعامل با جمادات به‌طورکلی، نقش انسان را از مخرب محیط‌زیست به محافظ محیط‌زیست تغییر می‌دهد؛ و وسیله رسیدن انسان به کمال نهایی و سبب ارتقاء انسان در مراتب قرب به خدا شود. امام علی (علیه‌السلام) در نهج‌البلاغه ضمن سفارش به رعایت حقوق همه مخلوقات الهی، در خطبه ۱۸۶ توجه به شگفتی آفرینش پدیده‌ها را از نشانه‌های توانایی و عظمت خدا می‌داند و در خطبه ۱۷۱ شگفتی کیفیت آفرینش موجودات، نقش کوه‌ها در آفرینش را به‌عنوان امانت الهی و در خطبه ۹۱، شگفتی آفرینش دریاها و آب‌ها را وسیله تفکر و تعقل انسان دانسته و در خطبه ۱۴۳ در خصوص نشانه‌های خدا در طبیعت و وسیله‌ای برای آزمایش بودن آن‌ها چنین می‌فرماید: «خداوند بندگان خود را که گناه‌کارند، با کمبود میوه‌ها و جلوگیری از نزول برکات و بستن در گنج‌های خیرات، آزمایش می‌کند، برای آن‌که توبه‌کننده‌ای بازگردد، گناهکار، دل از معصیت بکند، پند گیرنده، پند گیرد، بازدارنده، راه نافرمانی را بر بندگان خدا ببندد، همانا خدا استغفار و آمرزش خواستن را وسیله دائمی فروریختن روزی، موجب رحمت آفریدگان قرار داد و فرمود: «از پروردگار خود آمرزش بخواهید، که آمرزنده است، برکات خود را از آسمان بر شما فرومی‌بارد، با بخشش اموال فراوان و فرزندان، شمارا یاری می‌دهد، باغستان‌ها و نه‌های پر آب در اختیار شما می‌گذارد». پس رحمت خدا بر آن‌کس که به استقبال توبه رود، از گناهان خود پوزش طلبد، پیش از آن‌که مرگ او فرارسد، اصلاح گردد.» چنانچه با مرور اجمالی به نهج‌البلاغه صورت گرفت نشان داده می‌شود که طبیعت از جمله مظاهری زیبای خلقت الهی است که تدبیر و تأمل در آن می‌تواند به‌نوعی انسان را به خدای متعال نزدیک کند، از این‌رو تخریب و ضایع و فاسد کردن آن گناهی بس بزرگ به شمار می‌آید؛ و رعایت اخلاق در مواجهه با طبیعت از شاخصه‌های سبک زندگی اسلامی هست.

نتیجه‌گیری

در این مقاله تلاش بر این شد تا با بهره‌گیری از کلام امیرالمؤمنین علی بن ابی‌طالب (علیه‌السلام) و بازبینی مجدداً در پژوهش‌های انجام‌گرفته، به تبیین نقش برجسته اخلاق در اصلاح سبک زندگی و معرفی کتاب نهج‌البلاغه به‌عنوان منبع غنی برای سبک زندگی اسلامی پرداخته تا با بررسی دقیق کتاب شریف نهج‌البلاغه بتوان الگوهای مناسبی را در خصوص سبک زندگی اسلامی مبتنی بر اخلاق، معرفی کرد که نتایج به‌دست‌آمده بدین شرح می‌باشد:

هر چند که خواستگاه سبک زندگی با عنوان خاص به غرب بازمی‌گردد ولی در متون دینی ما با عناوینی همچون سیره، سنن، آیین زندگی، اخلاق زندگی، آداب زندگی، بدان اشاره شده است و کتاب شریف نهج‌البلاغه سرشار از الگوهای عینی و کاربردی مناسبی برای زیست بهتر انسان در این جهان در چارچوب نظام معنایی توحیدی و مطابق باورها و ارزش‌های اسلامی، برای تمام اعصار و قرون وجود دارد. بر اساس هویتی که در پرتو دین به دست می‌آید انسان، بنده‌ای مخلوق و مسئول در برابر اعمال خود معرفی می‌شود و حیات مادی و زندگی این جهانی او نیز به‌مثابه پلی تصویر می‌شود که ناگزیر باید از آن بگذرد و به جهان باقی رهسپار گردد و در این بین کسب فضایل اخلاقی ضروری‌ترین دانش در زندگانی است که انسان باید آن را فراگرفته و برای دستیابی به عالی‌ترین درجات انسانیت در دنیا و رضوان الهی در آخرت، در خود و جامعه پیاده سازد. از شاخصه‌های مهم سبک زندگی اسلامی این است که تنها به سعادت دنیوی و یا اخروی انسان بسنده نکرده است بلکه هر دو آن‌ها را در امتداد هم قرار داده و زندگی دنیوی را مزرعه آخرت می‌داند اما سخت و محکم در مقابل رهبانیت و دوری از نعمت‌های دنیا ایستاده و حُب افراطی نسبت به دنیا را نیز مذموم دانسته و اعتدال و

میان‌روی را سرلوحه زندگانی انسان‌ها قرار داده است. از منظر نهج‌البلاغه، نوع نگرش‌ها و باورهای هر فرد در هر عرصه‌ای تعیین‌کننده سبک زندگی او و درنهایت، تعیین‌کننده رفتارها و فعالیت‌های روزانه و جهت‌گیری‌های او نسبت به زندگی است و ارزش اخلاقی اعمال، علاوه بر درجات حسن و خوبی خودِ فعل، به حسن و خوبی نیاتِ فاعل نیز بستگی دارد و ایمان به خدا (باور) و عمل صالح (عمل) دو بال حرکت به‌سوی فلاح و رستگاری در سبک زندگی اسلامی می‌باشند و بین سبک زندگی اسلامی با دیگر سبک‌های زندگی تفاوت اساسی در باورها (جهان‌بینی) و ارزش‌های (ایدئولوژی) حاکم بر آن فرد و جامعه وجود دارد. توحید باوری، اعتقاد به نبوت و معاد باوری از ویژگی‌های نظام اخلاقی سبک زندگی اسلامی است که تفاوت آن را با سایر سبک‌های زندگی برجسته می‌سازد. در سبک زندگی اسلامی طبیعت از جمله مظاهری زیبای خلقت الهی است که تدبیر و تأمل در آن می‌تواند به‌نوعی انسان را به خدای متعال نزدیک کند، از این‌رو تخریب و ضایع و فاسد کردن آن گناهی بس بزرگ به شمار می‌آید؛ و رعایت اخلاق در مواجهه با طبیعت از شاخصه‌های سبک زندگی اسلامی هست. به‌منظور بازخوانی آموزه‌های اصیل اسلامی برای استنتاج الگوهای رفتاری متناسب با اقتضانات تحولات فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و ... کنونی جهان، نیازمند پژوهش‌های فراوانی در این زمینه هست تا با تعریف و تبیین دقیق شاخص‌های اخلاقی سبک زندگی اسلامی به معرفی یک الگوی مناسب برای جامعه پرداخته شود و ساخت سبک زندگی اسلامی مقدمه ساخت تمدن اسلامی که از دغدغه‌های مقام معظم رهبری است و بارها بدان تأکید کرده است.

منابع و مأخذ

قرآن کریم.

نهج البلاغه.

- ابن ابی الحدید معتزلی، ترجمه شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید معتزلی، غلامرضا لایقی، کتاب نیستان، ۱۳۹۳، چاپ اول.
- احمد مسکویه، ابوعلی، تهذیب الاخلاق و تطهیر الاعراق، زاهدی، قم، ۱۳۹۳ چاپ سوم.
- اصغری اصفهانی، لقمجانی، مبانی حفاظت از محیط زیست در اسلام، نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۷۸، چاپ اول.
- اعرافی، علی رضا، فقه تربیتی، ج ۲، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، ۱۳۸۷، چاپ اول.
- آلفرد آدلر، ارزیابی و درمان سبک زندگی: رویکرد روان شناسی، محسن یوسفی، حمید علیزاده، فروزان کریمی، نشر رشن، اهواز، ۱۳۸۹.
- بحرانی، ابن میثم، قواعد المرام فی علم الکلام، انتشارات آیت الله مرعشی نجفی، قم، ۱۴۰۴ ق، چاپ دوم.
- برتراند راسل، اخلاق و سیاست در جامعه، محمود حیدریان، بابک، تهران، ۱۳۴۹، چاپ اول.
- بروس کوئن، مبانی جامعه شناسی، غلام عباس توسلی و رضا فاضل، سمت، تهران، ۱۳۸۳ چاپ پانزدهم.
- بستان، حسین، اسلام و جامعه شناسی خانواده، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، ۱۳۸۵، چاپ دوم.

- پاینده، ابوالقاسم، نهج الفصاحه، پرهیزکار، چاپ ول، قم، ۱۳۸۳، ص ۲۳۳.
- جان احمدی، فاطمه، تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، دفتر نشر معارف، تهران، ۱۳۹۳، چاپ بیستم.
- جعفری، محمدتقی، ترجمه و تفسیر نهج البلاغه، ج چهارم، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۶۸، چاپ چهارم.
- جعفری، محمدتقی، فلسفه و هدف زندگی، موسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری، ۱۳۸۶، چاپ هفتم.
- جمشیدی، محمدحسن، اندیشه سیاسی امام خمینی، پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی، تهران، ۱۳۸۵، چاپ اول.
- جمعی از نویسندگان، جمعی از نویسندگان، اخلاق کاربردی، قم، نشر پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۶، چاپ اول.
- جمعی از نویسندگان، شاخص‌های سبک زندگی اسلامی، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، قم، ۱۳۹۴، چاپ اول.
- جوادی آملی، عبدالله، مفاتیح الحیات، نشر اسراء قم، ۱۳۹۱، چاپ بیستم.
- جوادی آملی، عبدالله، جامعه در قرآن، اسراء، قم، ۱۳۹۱، ص ۵۳-۵۵، چاپ چهارم.
- جوادی آملی، عبدالله، سیره رسول اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) در قرآن، اسراء، ۱۳۹۲، چاپ نهم.
- جوادی آملی، عبدالله، فلسفه حقوق بشر، اسراء، قم، ۱۳۷۷، چاپ دوم.
- جوادی آملی، عبدالله، مبادی اخلاق در قرآن، اسراء، ۱۳۷۸، چاپ دوم.
- جوادی آملی، عبدالله، معاد در قرآن، اسوه، قم، ۱۳۸۰، چاپ اول.

- حجتی کرمانی، محمد جواد، ترجمه تفسیرالمیزان، ج ۱۰، بنیاد علمی و فکری علامه طباطبائی، قم، ۱۳۷۰، چاپ پنجم.

